

حسن جریان امور، مفهومی اجتماعی فراتر از مرزهای بازرسی

علی فرهادی^۱

چکیده

اگرچه نظریه‌های جرم‌شناسی شاید در نگاه اول ارتباط مستقیم با مباحث حوزه نظارت و بازرسی نداشته باشند، اما توجه به آن‌ها و کاربستشان در جامعه می‌تواند به کاهش نرخ‌های جرم در سطوح متخلف اجتماعی و از جمله در دستگاه‌های اداری منجر شود و پدیده حسن جریان امور را با خود از پی بیاورد. نوشته حاضر با تأکید و تمرکز بر روی نظریه برچسب‌زنی، یکی از پرکاربردترین و قدرتمندترین نظریه‌های حوزه جرم را به تحلیل می‌کشد. این نوشته بر آن است که کامیابی در پیاده‌سازی برخی نظریه‌ها در سطوح اجتماعی و اداری، نیازمند توجه به برخی از نظریه‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله جرم‌شناسی است.

واژگان کلیدی: جرم، جرم‌شناسی، برچسب‌زنی، حسن جریان امور

مقدمه

پرداختن به مسئله جرم و فساد از جمله دغدغه‌های دیرین انسان به‌ویژه در جوامع مدرن است. دانش‌های اجتماعی از جامعه‌شناسی و روان‌شناسی گرفته تا حقوق و مردم‌شناسی، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های خود را به شناخت عرصه‌های اجتماعی باهدف مقابله با جرم اختصاص دادند. در این میان جرم‌شناسی از قرن نوزدهم میلادی و پس از آن با سرعتی دوچندان، دست‌به‌کار طراحی نظریاتی شد تا با تکیه بر آن‌ها در وهله نخست به شناسایی چرایی رفتارهای انحرافی و سپس یافتن راهکارهای بهینه مقابله با این رفتارها بپردازد که از آن جمله، نظریه برچسب‌زنی، یکی از پرکاربردترین و موفق‌ترین نظریه‌ها در رسیدن به دو هدف مذکور است.

اگرچه قلم‌زدن در مجله تخصصی دانش ارزیابی که همت اصلی خود را بر شناسایی موانع پیش‌روی سلامت اداری و مقابله با فساد گذارده، مستلزم ارائه نوشته‌هایی در این راستاست اما به دلیل اهمیت برخی نظریه‌ها از جمله نظریه برچسب‌زنی که هدف اصلی طراحان و سپس به کارگیران بعدی آن، استقرار جریان مناسب امور در روابط اجتماعی بود، به نظر می‌رسد طرح این نظریه و به‌نوعی مسئله حسن جریان امور، اجرای آن و نظارت بر آن، پدیده‌ای فراتر از مرزهای یک دستگاه خاص مانند سازمان بازرسی است و تلاش و همکاری همه‌جانبه و فراگیر را می‌طلبد.

نظریه برچسب‌زنی از جمله نظریات حوزه جرم‌شناسی است که در پی یافتن دلایل وقوع رفتارهای مجرمانه در جایی خارج از حوزه‌های صرفاً فردی است و می‌کوشد تا آن را از منظری اجتماعی مورد دقت قرار دهد. طرفداران این نظریه بر این باورند که به کارگیری صحیح اصول آن در جایی که اقتضای آن وجود دارد به کاهش انواع جرایم و تخلفات منجر می‌شود و زمینه برای بهتر شدن جریان امور فراهم می‌آید و در آنچه از پی می‌آید می‌کوشیم تا این نظریه و آثار و نتایج آن را مورد توجه قرار دهیم

پیشینه نظریه

مبحث اول: روند شکل‌گیری برچسب‌زنی

در ابتدا ناگزیریم پیش از ورود در موضوع برچسب‌زنی به پیشینه شناسی نظریه‌های دیگری که تأثیر فراوانی در ایجاد نظریه برچسب‌زنی دارند اشاره نماییم.

گفتار اول - پیدایش برچسب‌زنی در مکاتب جرم‌شناسی

۱- نظریه اثبات‌گرایی (زیستی/روانی)

از نگاه اثبات‌گرایان، جرم بر پایه نیروها و عواملی تبیین می‌شود که در محدوده‌ی توان تصمیم‌گیری فرد نیست. لذا اغلب، دیدگاه مکتب کلاسیک و اثبات‌گرایی در تقابل با یکدیگر محسوب می‌شوند، اثبات‌گرایی در شرایطی در قرن ۱۹ در اروپا شکل گرفت که در بطن آن، تقویت و تحکیم هرچه بیشتر نظام سرمایه‌داری و شیوه سرمایه‌دارانه وجود داشت.

۱- برخلاف مکتب کلاسیک که جرم را ناشی از اراده آزادانه او و مسئولیت شخص در برابر اعمال خود می‌دانند.

این نظریه حاوی دو رویکرد مهم شامل اثبات گرایی زیستی و اثبات گرایی روانی بود. نظریه پرداز برجسته‌ی اثبات گرایی زیستی لمبرزو اظهار می‌دارد انسان مجرم زاده می‌شود، نه اینکه مجرم می‌شود اصطلاح «مجرم بالفطره» ایده‌ای است که او ترویج می‌داد و معتقد بود جرم را باید محصول چیزی دانست که اساس طبیعت فرد مجرم را تشکیل می‌دهد. هر چند بعدها این نظریه خود را تعدیل نمود. در روی دیگر سکه، در اثبات گرایی روانی، جرم ناشی از مشکلات زیستی شمرده می‌شود که علل بیرونی دارد، مانند جراحت جنگی و یا نتیجه عوامل درونی است مانند بیماری‌های روانی؛ به عبارت دیگر، در این رویکرد افراد مجرم می‌شوند نه اینکه مجرم به دنیا می‌آیند.

۲- نظریه کلاسیک

این نظریه بر سه مفهوم حقوق فردی، قابلیت تعقل در انسان و حکومت قانونی تکیه دارد. در نگرش کلاسیک انسان‌ها موجوداتی خودخواه و منفعت طلب هستند. این مکتب نظریه اراده‌گرا را در باب طبیعت انسان اتخاذ کرده که بر وجود اختیار در انسان و مفهوم گزینش فردی تأکید دارد، لذا انسان را مسئول شیوه‌ای می‌داند که برای گذران عمر و استفاده از توان خویش برمی‌گزیند و هم او را مسئول نتایج و پیامدهایی که ممکن است از اعمال وی حاصل آید می‌داند (راب‌رایت و فیونا هیتز، ۱۳۹۲: ۸۲-۱۰۲).

گفتار دوم- منظر اجتماعی

وجود نابرابری‌ها و تبعیض‌ها و از طرفی آگاه شدن جامعه از حقوق مدنی در دهه ۱۹۵۰ شرایط را برای تغییر نگاه به موضوعات اجتماعی فراهم آورده (فرانک‌پی و مارلین دی، ۱۳۹۱: ۴۹-۴۸) و اعتراضات در رابطه با حقوق مدنی به امری عادی تبدیل شده بود؛ آمریکایی‌های آفریقایی تبار به رفتاری که با آن‌ها در رستوران‌ها، تئاترها، اتوبوس‌ها و پذیرش در مدارس و دانشگاه‌ها می‌شد اعتراض می‌کردند. افزایش سطح تحصیلات جامعه، طرفداران حقوقی مدنی را به پیگیری بیشتر مطالبات ترغیب می‌نمود هر چند تغییرات به سرعت انجام نمی‌شد اما سفیدپوستان نسبت به رفتارشان با گروه‌های اقلیت، آگاهی بیشتری یافتند. آغاز دهه ۱۹۶۰، همراه با رواج یافتن آیین‌های فرهنگی جدیدی بود که بر تحرک، جدایی و شورش تکیه داشت. پیدایش موسیقی راک اندرول پس از جنگ جهانی دوم [موسیقی‌های مردم‌پسند (پاپ) در آمریکا] با شکل‌گیری نوعی «فرهنگ جوانان» همراه بود. فرهنگی که اساس آن را رفاه‌طلبی و روگردان شدن آشکار جوانان از فرهنگ موجود والدین تشکیل می‌داد. موسیقی، مد، واژگان، سرووضع و حتی فعالیت‌ها و سرگرمی‌های این قشر همه به صورتی شکل گرفته بود که آن‌ها را از عرف و عادت موجود دور می‌ساخت در این انقلاب فرهنگی نه تنها جوانان آشکارا به کج‌روی می‌پرداختند، بلکه بر سر آن مسابقه‌های پرشور می‌دادند.

مناسبات خانوادگی و سنتی نیز از حرکات اجتماعی «فمنیسم» و «هم‌جنس‌گرایان» متأثر شده بود. مردان و زنانی که جویای به رسمیت شناخته شدن برخورداری‌های خویش از نیازهای جمعی و حقوق

بشری بودند. فمینیسم‌ها مفاهیم سنتی و محافظه‌کارانه مربوط به نقش و جایگاه زنان در جامعه را به شکل جدی به چالش می‌کشیدند و ایده‌های مرسوم مرتبط با ویژگی‌ها و تمایلات جنسی و برتری یک جنس در معرض تحلیل‌ها و نکوهش‌ها قرار گرفت و شهرت یافتن حقوق مدنی، ایده وجود وفاق اجتماعی یکپارچه را بیش‌ازپیش از هم گسیخت. ارائه طرح «جامعه بزرگ» توسط دولت‌های جان اف کندی و جانسون منجر به تقویت دیدگاهی شد که در جامعه همه برابری و دانشمندان علوم اجتماعی طرح‌های آموزش کیفی به صورت برابر و در دسترس همگانی و افزایش فرصت‌ها برای عموم را مطرح نمودند. در این اوضاع و احوال مخالفت‌های شدید عمومی با جنگ ویتنام در کشورهایی که احضار به خدمت سربازی برای جنگ واقعی همیشه برای جوانانش بود؛ در فروپاشی رسوم متعارف و بالا بردن سطح تفاوت‌های اجتماعی بسیار تأثیرگذار بود (راب‌رایت و فیونا هینز، ۱۳۹۲: ۱۸۳).

در استرالیا صدای دو جنبش برابری حقوق و حقوق بومیان در سال ۱۹۷۰ خواسته‌های رنگین‌پوستان، بومیان و مهاجرین را افزایش داد و خاموشی آن دیگر ممکن نبود و منجر شد که تقسیم‌بندی اجتماعی در دستور کار محافل سیاسی آن روز قرار گیرد. هجوم کارگران و دانشجویان فرانسوی به خیابان‌ها و فلج کردن چند هفته‌ای آن کشور در سال ۱۹۶۸ وقوع تغییرات اجتماعی را اجتناب‌ناپذیر نمود.

بروز این حوادث و جنبش‌های عظیم در جهان باعث شد تا دانشمندان علوم اجتماعی به بازنگری در برداشت‌های خود درباره جامعه، نظم اجتماعی و کج‌روی بپردازند. همچنین به این واقعیت توجه کنند که پدیده‌ای که روزی نوعی کج‌روی به حساب می‌آمد ممکن است در روز دیگر این وصف را نداشته باشد یا پدیده‌ای که گروهی که آن را کج‌روانه می‌پندارند گروهی دیگر آن را بپذیرند. حاصل آن که واقعیت اجتماعی، پدیده‌ای مشروط، قلمداد شده این نکته نیز به این معنا بود که نحوه‌ی نگاه فرد به جهان تا حد زیادی وابسته به موقعیت او در آن جهان است. به‌طور نمونه برخی از جامعه‌شناسان اظهار نمودند: یک عمل می‌تواند در یک زمان و از دیدگاهی غیرقابل توجه باشد و با این حال بعدها به‌عنوان رفتاری منحرفانه، نادرست و غیراخلاقی تعریف شود. مثلاً استفاده از مواد مخدر در سده نوزدهم متعارف و از نظر اجتماعی پذیرفتنی بود و افرادی مانند «زیگموند فروید»، «ملکه ویکتوریا» از آن استفاده می‌کردند اما با گذار از سده نوزدهم، استفاده از مواد مخدر با برچسب منحرفانه روبه‌رو شد و مصرف‌کنندگان از سوی جامعه به‌عنوان افراد خطرناک و غیرقابل‌پذیرش برچسب می‌خورند. برعکس برخی اعمال که منحرفانه هستند ممکن است با گذشت زمان، متعارف تلقی شده و در پذیرش اجتماعی قرار گیرند (مارتین اوبراین، ۱۴۵-۱۴۶: ۱۳۹۴).

گفتار سوم - منظر تاریخی

برخی معتقدند ریشه‌های نظریه برچسب‌زنی از کتاب خودکشی اثر امیل دورکیم فرانسوی (۱۹۷۹) گرفته شده است. (سایت ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد) همچنین برخی، دمینگ لی مرت (۱۹۶۹) جامعه‌شناس

آمریکایی و مؤلف کتاب «آسیب‌شناسی» را مؤسس این نظریه دانسته‌اند و این نظریه را خمیرمایه مطالعات تعامل‌گرایان و مبنای نظریه برچسب‌زنی می‌دانند.^۱ پس از آن به‌اتفاق همه جرم‌شناسان هوارد بیکر جامعه‌شناس آمریکایی و نویسنده کتاب «جامعه‌شناسی انحراف» را ادامه‌دهنده نظریه تعامل‌گرایی می‌دانند. او در این کتاب، فصلی را به افرادی که خارج از قانون متعارف عمل می‌کنند اختصاص داد یعنی کسانی که خارج از قانون مشروع عمل می‌کنند. به این ترتیب کژمداران مشتمل بر افراد غیراجتماعی (منحرف) و ضدا اجتماعی (ضدقانون) می‌باشند افراد غیراجتماعی را کج‌رو و حاشیه‌نشین هم می‌گویند. این دیدگاه مدعی می‌شود افرادی که بر آنان برچسب‌هایی مانند (کودن)، (تیزهوش)، (ابله)، (نابغه) و مانند آن وارد می‌آید واکنش‌هایی متناسب با آن برچسب از خود نشان می‌دهند. در آزمایشی که اصطلاحاً آزمون پینگ مالون نام دارد و در سال ۱۹۶۸ توسط دانشگاهیان حوزه روانشناسی (روزنتال و جاکوبسن) انجام شد گروهی از دانش‌آموزان یک مدرسه به دو دسته تقسیم شدند: دسته اول را در انظار «کودن» و دسته دوم را در همان حال «باهوش» خواندند، حاصل آن که پس از مدتی نمرات درس اعضای دودسته به ترتیب روند نزولی و صعودی گرفت (راب‌رایت و فیونا هیزن، ۱۳۹۲: ۱۹۰-۱۹۳).

دیدگاه برچسب‌زنی اثرگذاری‌های طیفی گسترده‌ای از حوزه‌های اندیشه را با خود به همراه دارد. در این دیدگاه مفاهیمی مانند «خود» و «نماد» برای تبیین دو متغیر رفتار اجتماعی و کنش اجتماعی به کار گرفته و محور استدلال آن عبارت است از گوناگونی واکنش‌های افراد در موقعیت‌های خاص اجتماعی.

نماد: عبارت است از هر چیزی که نشانه یا مظهر چیزی دیگر باشد مانند (آرم) - یا حرکت چهره - یا یک واژه) لذا تمامی انسان‌ها چگونگی واکنش نشان دادن در برابر موقعیت‌های متفاوت را با مطالعه دقیق نمادهای پیرامون خویش می‌آموزند.

خود: این عبارت به چگونگی نگرش افراد درباره خویش‌نشان اشاره دارد. نگرشی که به‌نوبه خود در خلال فرآیند کنش متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد. این مفهوم باعث می‌شود که هر فرد صرفاً همان تصویر را از خود در ذهن ایجاد کند که آن را در افراد پیرامون خودش منعکس می‌بیند.

بنابراین هر چند نمی‌توان انسان‌ها را موجوداتی منفعل دانست اما باید پذیرفت که چگونگی دریافتی که دیگران از فرد دارند آثاری مستقیم و واقعی بر این امر دارد که او چگونه به خویش‌نشان بنگرد و چگونه رفتار کند و این فرآیند اجتماعی می‌تواند مثبت یا منفی باشد. با این مضمون ایده‌ای وجود دارد که هویت هر فرد را دو عنصر تعیین می‌کند: افرادی که واقعیت او را تعریف می‌کنند و دیگری چگونگی صورت پذیرفتن این تعریف.

مبحث دوم- اصول و مبانی

با آنچه در روند شکل‌گیری این نظریه از منظر اجتماعی و تاریخی گفته شد و نظریاتی که مختصراً

۱- وی در کتاب خود نظریه انحراف ثانوی را مطرح نمود و معتقد بود، عده‌ای از مرتکبین جرم به رغم برخورد با مسئول اداره و مبارزه علیه جرم پس از تحمل مجازات، باز به دنیای جرم و استفاده عدالت کیفری بازمی‌گردند.

از سوی نظریه پردازان این حوزه مطرح گردید تا حدودی چارچوب نظریه برچسب زنی مشخص شد، لیکن به طور تفصیل به تشریح این نظریه می پردازیم.

گفتار اول - تأثیر قانون گذاران بر نظریه برچسب زنی

همان طور که در دیدگاه های جامعه شناسان این نظریه مشاهده نمودیم براساس این نظریه نباید جرم یا انحراف را در عملی که فرد مرتکب شده است جست و جو کرد، بلکه باید دید طی چه فرایندی عملی که زمانی مشروع بود، نامشروع شناخته شده است و چرا در فرایند غربال کیفی عده ای مشمول این برچسب واقع شده و عده ای دیگر فرار کردند (علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱). جرم و انحراف نتیجه قانون گذاری اجتماعی و اجرای ضمانت اجرای قانونی است، از نظر «بکر» انحراف و جرم پدیده ای است که به وسیله گروه و جامعه از طریق وضع ممنوعیت های کیفردار به وجود می آید. ممنوعیت هایی که نتیجه اجرای آن رنگ و برچسب مجرمانه ای است که بر بز هکار زده می شود. از نظر وی ارزش هایی که حقوق جزا نقض آن را جرم تلقی می کند گزینشی بوده که در راستای تأمین منافع قدرت سیاسی حاکم قرار دارند و براساس آن عده ای را مجرم و عده ای را غیر مجرم معرفی می نمایند. از این منظر همچنین نظریه پردازان برچسب زنی مدعی اند که اصولاً اعمال نظام جزایی و مقامات آن است که تعیین می کند چه چیزی را باید جرم محسوب کرد. به بیان دیگر در نگاه آنان مجرمانه خواندن رفتار یا مجرم شمردن فردی خاص بسته به افرادی است که در عمل چنین برچسبی را وارد می آورند. در این خصوص مدعی آنان این است که عنوان رسمی (جرم) را افرادی بر یک رفتار می نهند که قدرت وارد آوردن برچسب را دارند به نظر این دیدگاه ها سنجش جرم عملاً فرایندی را تشکیل می دهد که در خلال آن افرادی که مناصب قدرت را در درون نظام جزایی در دست دارند، کنش های خاص افرادی معین را به عنوان کنش های کج روانه یا مجرمانه تعریف می کنند (رابرایت و فیونا هینز، ۱۳۹۲: ۱۸۱). در بیانی دیگر آمده است مفاهیم جرم و نابهنجاری پدیده ای قراردادی و نسبی است. جرم بالفطره و به خودی خود وجود ندارد. جوامع با جرم انگاری به برخی اعمال عنوان کیفی می دهند و اگر این رفتارها توسط فرد تکرار شود به او برچسب مجرم می زنند. جرم در واقع محصول کارخانه قانون گذاری است که براساس مفاهیم قراردادی ناشی از دیدگاه صاحبان قدرت از رفتار تعیین می گردد در حقیقت مفاهیمی مانند خوب و بد در عالم خارج وجود ندارد بلکه گردانندگان واقعی جوامع، با لحاظ ضرورت اداره جامعه و حفظ نظم مورد نظر خود با تأثیر پذیری از معیارهای طبقاتی فرهنگی، دینی، سیاسی دست به ارزیابی هنجارها و ارزش گذاری آن ها می زنند (علی نجفی توانا، ۱۳۹۴: ۷۷).

گفتار دوم - تأثیر دستگاه عدالت کیفری بر نظریه برچسب زنی

«هاوارد بکر» در کتاب «جامعه شناسی انحراف» معتقد است باید عملکرد مجریان قانون و مسئولین اجرای آن را مورد مطالعه قرار دهند زیرا در فرایند کیفر باعث می گردد عده ای دستگیر شده برچسب مجرمانه

بخورند و عده‌ای دیگر از این برچسب فرار کنند. به عقیده او چنانچه نسبت افراد پلیس به جمعیت کشور متناسب باشد میزان جرایم کشف شده بالا می‌رود. پس رقم سیاه و میزان جرایم کشف شده تابعی از درجه کارایی و میزان فعالیت افرادی است که مسئول تعیین و اجرای واکنش اجتماعی هستند. لذا میان مجرمین و غیرمجرمین تفاوتی وجود ندارد و مجرمیت ناشی از عملکرد واکنش اجتماعی علیه مجرم است. پس بزه‌کار فردی است که جامعه، پلیس یا دستگاه قضایی موفق شده‌اند این برچسب را بر وی الصاق بکنند. به عبارتی دیگر اگرچه برچسب مجرمانه را نسبت به یک عمل، قانون‌گذار توصیف و ایجاد کرده اما توصیف واقعی مجرم یا منحرف بستگی به قضاوت جامعه و توانایی پلیس و دستگاه قضایی در کشف و اجرای آن دارد. مثلاً به موجب قانون، کشت خشخاش ممنوع است؛ این یک انگ قانونی به یک عمل است ولی چه‌بسا در یک محلی کشت خشخاش حساسیت مردم را برنیا نگیزد زیرا در آن محل کشت خشخاش یک امر هنجاری است پس کسی مورد را به مقامات صالح افشا نمی‌کند یا موضوع ماهواره در تهران و کلان‌شهرها و شهرهای کوچک که نگاه متفاوت به آن وجود دارد. پس در اینجا سازوکار انگ‌زنی از طرف جامعه نسبت به استفاده‌کنندگان صورت نمی‌گیرد. در خصوص پلیس و دستگاه قضایی هم این برچسب تا اندازه زیادی محصول سابقه و انتخاب آن‌هاست. اعتیاد در برخی مواقع یک جرم است اما درواقع مقامات رسمی برداشت‌های متفاوتی از جرم بودن این پدیده دارند در نتیجه عکس‌العمل‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند؛ که موجب می‌شود تا مأموران مختلف در مورد وضعیت‌های مشابه عکس‌العمل‌های متفاوت از خود نشان دهند و در نتیجه عده‌ای برچسب مجرم بودن بخورند. پس برحسب این نظریه بین افراد مجرم و غیرمجرم تفاوت ذاتی، سرشتی، زیستی و روانی وجود ندارد و این قضاوت پلیس و دستگاه قضایی است که وصف‌هایی را به عده‌ای می‌دهد. همچنین افرادی که در مشاغل مرتبط با فرایندهای عدالت کیفری قرار دارند (عوامل مربوط به عدالت کیفری) زمانی که یک فرد مورد توجه دستگاه آنان قرار گرفت، او را با دقت بیشتر و از نزدیک‌تر مورد توجه قرار می‌دهند. به عبارتی دیگر، افراد برچسب خورده به مشتریان نظام عدالت کیفری تبدیل می‌شوند و مانند دیگر مشاغل خوب تجاری، این نظام حساب مشتریان خود را به خوبی دارد. آنانی که یک‌بار برچسب خورده‌اند مثل کسانی که به‌طور مشروط آزادند یا مجرمان سابق، مشکل می‌توانند از این موضوع که مورد توجه مخاطبان قرار گرفته است بگریزند و لذا رفتار بعدی آنان احتمالاً مورد شناسایی و برچسب خوردن دوباره قرار می‌گیرد. به‌طور نمونه در اکثر طرح‌های پلیس که به‌عنوان پیشگیری از جرم اجرا می‌شود. لیست بلندی از مجرمین سابقه‌دار برای حاضر و غایب شدن یا گوشزد کردن به آنان که نشان دهد تحت مراقبت هستند، تهیه می‌شود و عملاً محدودیت‌هایی برای آنان بدون آن که جرم جدیدی مرتکب شده باشند به‌صرف برچسب سابقه‌دار بودن ایجاد می‌شود (علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۶).

گفتار سوم- برچسب‌زنی و شخصیت مجرم

چگونگی پذیرش جایگاه مجرمانه از طریق برچسب‌زنی، از سوی مجرم اهمیت فراوانی دارد فرایند برچسب‌زنی به دو شیوه محقق می‌شود:

۱- در نتیجه ارتکاب جرم که به انحراف اولیه معروف است.

۲- در نتیجه اشتباه قاضی یعنی مواردی که سیستم، فردی را اشتباهاً دستگیر، محاکمه و مجازات نماید.

در هر دو صورت باید عملکرد فرد و نهادها و عوامل قهریه و پلیس و دادگستری را بررسی نماییم. علاوه بر آن نحوه نگرش مردم نسبت به بزهکار و واکنشی که نسبت به اعمال وی نشان می‌دهند و درجه قضاوت مثبت یا منفی نسبت به جرم که به نوبه خود موجب ترغیب و یا دلسردی مجرم از ارتکاب مجدد عمل می‌شود باید مورد بررسی قرار گیرد. در نهایت تحت تأثیر این عوامل فرد به سمتی سوق داده می‌شود که از نظر قانون مجرم و از دید جامعه منحرف تلقی می‌گردد. بر این مبنا فردی که جامعه موفق شد به وی برچسب مجرم یا منحرف بزند و به وی انگ زنی شده است دارای ذهنیت خاص می‌شود و ذهنیت خود را خارج از قانون تلقی می‌کند و به دنبال الصاق این برچسب بر هویت خویش است و سعی می‌کند رفتار خود را منطبق با این برچسب کند، خود را مانند یک فرد خارج از قانون می‌داند و عمل می‌کند و هویت مجرمانه را پذیرفته و دنیای جرم را انتخاب می‌کند و مجدداً مرتکب جرم می‌شود و هر چه شدت و مدت این برچسب طولانی و قوی‌تر باشد احتمال کسب ذهنیت پایدار مجرم و مجرمانه در فرد بیشتر تقویت می‌شود و با گذشت زمان آن هویت را کسب می‌کند که در واقع منطبق است با آن برچسبی که به وی داده شده است آقای بیکر مراحل حرفه‌ای شدن بزهکار را در ۴ مرحله تشریح می‌کند.

۱- مرحله اول: عبارت است از نقض یک هنجار، هر چند شاید اولین انحراف یا نقض قانون عمدی صورت نگرفته باشد. اگر فرد بتواند ظاهر خود را مطابق افراد جامعه نگه‌دارد و ظاهر او عمل نقض‌آمیز را تکذیب کند او موفق می‌شود از فرایند برچسب‌زنی فرار کند. بزهکاران یقه‌سفید نمونه‌ای از این مورد هستند؛

۲- در این مرحله فرد عمل مجرمانه را که اتفاقی انجام داده است در اثر تعامل با دیگران و کسب تجربه از آنان به یک شیوه زندگی تبدیل می‌نماید؛ مانند اعتیاد که در آن فرد معتاد، ابتدا با کسانی آشنا می‌شود که فنون مصرف را بلدند سپس لذت مصرف را لمس می‌کنند. در این مرحله او که مصرف‌کننده تفتنی بوده به مصرف‌کننده حرفه‌ای تبدیل می‌شود و علاقه پیدا می‌کند که آثار نشئگی را دوست بدارد و در مرحله بعد باید راه‌های فرار از دست عوامل کنترل‌کننده جرم را شناسایی و خنثی کند و در مراحل بعدی راه‌های تهیه مواد بدون رؤیت عوامل اجتماعی که وی را گرفتار سازند و سابقه‌دار نمایند را بیاموزد و در نهایت پلیس درونی

خود را با مقایسه سازی اعتیاد با جرایم خطرناک دیگر مانند شرب خمر و مانند آن خنثی کند؛
 ۳- در مرحله سوم فرد به عنوان منحرف تعیین می شود و به معنای واقعی برچسب می خورد و تصویر اجتماعی وی با این برچسب تغییر می کند و شناخته شدن وی به عنوان معتاد بار منفی بسیار شدیدتری از مجازات اعتیاد دارد؛ زیرا این برچسب وی را در معرض توجه پلیس قرار می دهد یا به دشواری در گروه افراد آبرومند قرار می گیرد و بسیاری از حقوق اجتماعی را از دست می دهد یا برای وی محدود می شود؛ مانند استخدام در ادارات و شرکت های دولتی و یا تصدی نمایندگی شورای شهر و مجلس که همگی با اشتهار وی به برچسب مجرمانه ایجاد می شود و بازگشت وی را به شرایط آبرومندانه سابق با مشکل مواجه می سازد مگر اینکه اطرافیان با او همراهی نموده و منحرف صدا نزنند؛

۴- در این مرحله فرد منحرف چون احساس کرده از جامعه متعارف اخراج شده است، برای دور زدن یا خنثی کردن برچسب مجرمانه تصمیم می گیرد حول یک فرد یا گروه جمع شود تا با این تجمع به همدیگر قوت و انرژی بدهند و به این ترتیب یک خرده فرهنگ را تشکیل می دهند تا فشارهای جامعه ی متعارف را بهتر تحمل کنند. تشکیل گروه و بقای آن مستلزم انجام فعالیت های مجرمانه است. بی آن که مخاطره ای برای آن ها باشد به این ترتیب فرد منحرف که اتفاقی در بستر سازمان یافته وارد شد شانس بیشتری برای ادامه مسیر خود دارد (علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۳۰۴-۱۳۰۳).

همچنین نظریه پردازان برچسب زنی معتقدند، این فرایند باعث می شود شخص برچسب خورده نقشی را به خود بپذیرد که در آن برچسب به او نسبت داده می شود، به عبارتی دیگر اگر به شخصی رسماً انگ «کج رو» و «خلاف کار» یا «مجرم» وارد آید، این امر ممکن است موجب شود که او به شکلی مناسب با آن برچسب رفتار کند؛ زیرا بدنامی حاصل از برچسب بر قامت مجرم می نشیند و به آسانی از او جدا نمی شود و این وضعیت هم بر نوع نگاه دیگران به فرد اثر می گذارد و هم بر نوع تصور او درباره خویش.

این نظریه پردازان همچنین نتیجه عمده بدنامی را آن می دانند که افراد برچسب منفی خورده نه تنها در اعمال مجرمانه و خلافکارانه بیشتری درگیر می شوند بلکه آرامش خود را در همراهی با کسانی می یابند که به همان شکل بیگانه قلمداد شده اند و یکدیگر را به هم نشینی باهم ترغیب می کنند (راب رایت و فیونا هینز، ۱۳۹۲: ۱۸۷).

در هر حال طرفداران برچسب زنی آن را سبب انحراف فرد دانسته و معتقدند برچسب ممکن است از سوی فرد درونی شود و به قبول نوعی مفهوم خودی از انحراف بیانجامد. افرادی که به عنوان کج رفتار برچسب خورده اند دارای شانس کمتری برای درست کاری در دنیای عادی هستند یعنی راه های رایج برای کسب موفقیت آنان اغلب قطع شده و تنها راه باقی مانده برایشان راه های غیر قانونی است (فرانک پی و مارلین دی، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۶).

در هر حال هر چه اعتماد به نفس و قدرت روحی فرد بر چسب خورده ضعیف تر باشد امکان تسلیم شدن او و همنوایی اش با بر چسب مربوطه بیشتر خواهد شد.^۱

فصل دوم- بر چسب زنی در آموزه‌های اسلامی ایرانی و تأثیر آن بر نظام‌های حقوقی

مبحث اول- بر چسب زنی از منظر اسلام و حقوق ایران

گفتار اول- بر چسب زنی در منابع اسلامی

پیش تر در نظریه بر چسب زنی اشاره کردیم که یکی از قلمروهای اصلی تحلیل در دیدگاه بر چسب زنی، مناسبات موجود میان مجرم و افرادی است که قدرت وارد آوردن بر چسب را دارند. پیامد این قبیل مناسبات، احتمال وقوع بدنامی است. نظریه پردازان بر چسب زنی بر آنند که فرآیند بر چسب زنی می تواند آثار منفی خاص خود را داشته باشد؛ آثاری از این دست که شخص بر چسب خورده، همان نقشی را بپذیرد که بر چسب به او نسبت داده است. به بیان دیگر اگر بر شخصی انگ مجرم وارد آید، این امر ممکن است موجب شود که او همانند یک مجرم رفتار کند.

یک نتیجه دیگر بدنامی، آن است که افرادی که بر چسبی منفی خورده اند، نه تنها در اعمال مجرمانه بیشتری درگیر می شوند بلکه آرامش خود را در همراهی با کسانی می یابند که به همان شکل، بیگانه قلمداد شده اند و در نتیجه به هم نشینی با آنان ترغیب می شوند.

بر خلاف دیدگاه بر چسب زنی که جرم را ساخته و پرداخته نگرش گروه‌ها و طبقات خاصی نسبت به رفتار دیگران و در راستای منافع آن گروه‌ها می دانند و هیچ معیار واقعی برای آن نمی شناسند، از دیدگاه اسلام، جرم واقعی عینی دارد و جرم انگاری در راستای تأمین مصالح واقعی فرد و جامعه صورت گرفته است و هیچ گونه جهت گیری خاص در آن دیده نمی شود. نگرش نظریه بر چسب زنی به ماهیت جرم که ریشه در نسبت مفاهیم و ارزش های اخلاقی دارد، با نگرش دین اسلام به کلی متفاوت است؛ از نظر اسلام هنجارها مبتنی بر ارزش ها و ارزش ها مبتنی بر باورها و باورها مبتنی بر واقعیات هستی شناختی و انسان شناختی هستند که با سعادت و کمال واقعی انسان ارتباطی تنگاتنگ دارند. هر رفتار انسان بر اساس تأثیر واقعی که بر سعادت و کمال او دارد، ارزیابی می شود و بهنجار یا نابهنجار شناخته می شود.

آیات متعددی از قرآن مجید، خوب و بد و یا خبیث و طیب را به طور مطلق مطرح کرده است و وضع جوامع بشری را در این امر بی اثر می شمرد. در آیه ۱۰۰ سوره مائده می خوانیم: «بگو ناپاک و پاک برابر نیستند».^۲ در آیه ۱۵۷ سوره اعراف در توصیفی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «آنان که از این رسول، این پیامبر اُمی که نامش را در تورات و انجیل خود نوشته می یابند، پیروی می کنند، آن که به نیکی فرمانشان می دهد و ... و چیزهای پاکیزه را بر آن‌ها حلال می کند و چیزهای ناپاک را حرام

۱ - نظریه بر چسب زنی در بزهرکاری، دکتر غلامرضا محمد نسل

۲- «قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.»

و...^۱ خداوند در آیه ۲۴۳ سوره بقره می‌فرماید «خدا به مردم نعمت می‌دهد ولی بیشتر مردم شکر نعمت به‌جای نمی‌آورند»^۲ و یا در آیه ۱۰۳ سوره یوسف می‌فرماید: «هرچند تو به ایمانشان حریص باشی، بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند».^۳ در این آیات ایمان و پاکیزگی و شکر به‌عنوان یک ارزش محسوب شده‌اند، هرچند اکثریت مردم با آن مخالف باشند و بی‌ایمانی و ناپاکی و کفران، یک ضدارزش به‌حساب آمده‌اند هرچند از سوی اکثریت پذیرفته شود.

آنچه ذکر شده نسبت در مسائل اخلاقی را نفی می‌کند و پذیرش یا عدم پذیرش از سوی گروهی خاص را معیار ارزش یا عدم ارزش نمی‌داند. افزون‌اینکه واقعیت جرم از دیدگاه اسلام، به معنای نفی ارزش‌های اعتباری و قراردادی نیست. جامعه برای اداره امور اجتماعی خود ناگزیر است ضوابط و قوانینی را براساس ارزش‌های اعتباری و قراردادی وضع نماید که تخلف از آن‌ها جرم محسوب می‌شود. آید اما سخن این است که همه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی این‌گونه نیستند و نمی‌توان آن‌ها را ناشی از اعتبار و قرارداد اجتماعی دانست.

۱- آثار دخالت نهادهای کیفری و برچسب خوردن فرد مجرم^۴

دیدگاه برچسب‌زنی به آثار وارد آمدن برچسب بر روند رشد و تحول روانی و اجتماعی مجرمان اشاره دارد. زمانی که فرد، برچسب می‌خورد، تحت فشار قرار می‌گیرد که برایش بسیار ناخوشایند است. درحقیقت نیاز به احترام از نیازهای اساسی است که هر فرد به آن توجه دارد و اگر این نیاز برآورده نشود، موجب فشار روانی برای او می‌شود. در روایتی امام صادق (ع) به تقویت روحیه یکی از یاران خود به نام ابوبصیر که از فشار روانی برچسب‌های وارد آمده بر شیعیان شکایت می‌کرد، پرداخته است. در این حدیث که محمد بن سلیمان از پدرش نقل کرده، می‌خوانیم: «نزد امام صادق (ع) بودم زمانی که ابوبصیر بر امام (ع) وارد شد... گفتم فدایت شوم؛ همانا ما را ملقب به القابی کرده‌اند که کمر ما به سبب آن‌ها شکسته است و ما به واسطه آن القاب، دل مرده شده‌ایم و زمامداران نیز به سبب همین القاب که بر ما گذاشته شده است، به دلیل آنچه فقیهان آن‌ها برایشان روایت کرده‌اند ریختن خون ما را حلال می‌دانند. امام صادق (ع) فرمودند: آیا نسبت دادن شما به رافضی^۵ را می‌گویی؟» گفتم: آری فرمودند: «نه، به خدا سوگند، آن‌ها شما را به این نام نخوانده‌اند، بلکه خدا شما را چنین نامیده است. ای ابا محمد،

۱- الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ... وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ...

۲- «... إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ».

۳- «وَمَا أَكْثَرَ النَّاسَ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ».

۴ - بررسی نظریه برچسب‌زنی با نگاه به منابع اسلامی، نویسنده سیدمحمد حسینی، نفیسه متولی‌زاده نائینی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شناسه ۷۲۴۶

۵ - «رفض» در لغت به معنای رها کردن چیزی آمده است. به همین دلیل به پیروان امامان (ع) رافضی می‌گفته‌اند، چراکه بر این عقیده بوده‌اند که این پیروان، سنت پیامبر (ص) را رها کرده‌اند (ابن فارس ابن زکریا، ۱۴۱۰ ه. ق، ص ۱۵۴)

آیا نمی‌دانی که هفتاد مرد از بنی اسرائیل، آنگاه که گمراهی فرعون و قومش برایشان ثابت شد، آن‌ها به موسی (ع) پیوستند و سپس هدایت شدند؟

...پس در لشکر موسی (ع) به آن‌ها رافضی می‌گفتند، چون فرعون را رها کرده بودند و آن‌ها بالاترین درجه را داشتند...^۱ (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۳۴).

همچنین «محمد بن فضیل گوید، درباره یکی از دوستانم به من خبری رسید که دلخواه من نبود. من از خودش پرسیدم. باین که افراد موثقی آن را از وی نقل کرده بودند، منکر آن شد. درباره او از امام کاظم (ع) سؤال کردم؛ ایشان در پاسخ به من فرمودند: «ای محمد، مبدا چیزی را علیه او پخش کنی که او را زشت گرداند و اعتبارش را از بین ببرد.» همچنین امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید «بر حذر باش از اظهار غیرت و بدگمانی درجایی که نباید غیرت به کاربرد؛ زیرا این کار زنان را به نادرستی و بی‌گناهان را به سوی آلودگی فرا می‌خواند...»^۲ (فیض الاسلام، ۹۳۹).

امام علی (ع) در این حدیث اشاره فرموده‌اند که قضاوت ناروا نسبت به دیگران ممکن است سبب گردد که هویت جدیدی از فرد ساخته شود. با وارد آمدن برجسب مجرمانه به فرد، دیگران حتی به رفتارهای متعارف او با بدبینی می‌نگرند و این امر موجب افزایش تمایل او به شرکت در گروه‌های مجرمانه و ایفای نقش‌های مجرمانه می‌شود.

به همین دلیل است که در آیه ۱۲ سوره حجرات، افراد از سوءظن و بدبینی نسبت به یکدیگر نهی شده‌اند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید، چرا که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است...»^۳

با توجه به این سخنان آلوده شدن فرد به بدی‌ها، یکی از آثار مهم بدبینی نسبت به دیگران است. افراد با پذیرش این هویت مجرمانه، غالباً با کسانی هم‌نشین می‌شوند که در رفتارها و افکار با آنان همراه هستند. شبیه بودن در خصوصیات، نگرش‌ها، رفتارها و بسیاری از ویژگی‌های دیگر، افراد را به هم جذب می‌کند.

۲- راه‌حل‌های کنترلی

۲-۱- بزه‌پوشی، مخفی داشتن و نهان‌سازی جرم

بزه‌پوشی، مخفی داشتن و نهان‌سازی جرم روشی است که به‌عنوان یکی از ویژگی‌های سیاست جنایی اسلام مطرح است سعی در بزه‌پوشی و جلوگیری از افشای جرم و ترغیب شخص خطا کار، مردم و حتی

۱ - «كنت عند ابي عبدالله (ع) دخل عليه ابو بصير... قلت جعلت فداك فانا قد نبزنا انكسرت له ظهورنا ومانت له افئدتا ناستحلت له الولاه دماننا في حديث رواه لهم فقهاءهم. قال فقال ابو عبدالله (ع) الرافضة؟ قال قلت نعم. قال: لا والله ما هم سموكم ولكن الله سماكم به اما علمت: يا ابا محمد ان سبعين رجلا من بني اسرائيل رفضوا فرعون وقومه لما استبان لهم ضلالهم فلاحقوا بموسى (ع) لما استبان لهم هداة فسموا في عسكر موسى الرافضة لانهم رفضوا فرعون وكانوا اشداهل ذلك العسكر عبادة...»

۲ - «إياك والتغائر في غير موضع غيرة، فإن ذلك يدعو الصحيحة إلى السقم والبريهة إلى الریب»

۳ - «يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيرا من الظن إن بعض الظن إثم...» - قرآن کریم، سوره مبارکه حجرات، آیه ۱۲

حاکم و قاضی به ستر گناه و پوشیدن خطا در آیات و روایات مورد توجه بوده و آن را از ابعاد و جنبه‌های مختلف دارای اهمیتی قابل توجه دانسته‌اند. در آیات و روایات فراوانی به این موضوع اشاره شده است. «إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيحَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: برای کسانی که دوست دارند درباره مؤمنان تهمت زنا شایع شود در دنیا و آخرت عذابی دردآور مهیاست؛ خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.»^۱

دولتمردان و قضات از نهی از افشای سرّ مردم مستثنا نیستند و آن‌ها نیز مشمول دستور و توصیه به ستر عیوب و خطایای مردم می‌باشند. امام علی (ع) در نامه‌ی خود خطاب به مالک اشتر فرمود: «دورترین و منفورترین مردم نزد تو باید کسانی باشند که بیشتر به دنبال عیوب مردم هستند چرا که مردم را عیوبی هست که حاکم سزاوارترین کس به پوشاندن آن عیوب است به دنبال کشف خطاهایی که از تو پنهان مانده نباش. پس تا می‌توانی زشتی‌های مردم را بپوشان تا خدا زشتی‌های تو را که دوست می‌داری از مردم مستور بماند بپوشاند.»

۲-۲- عفو

از جمله راه کارهای اسلام به منظور پیشگیری از پیامدهای منفی واکنش جزایی، عفو است. مجازات حتی اگر عادلانه باشد معمولاً برای مجرم بسیار گران و سخت تمام می‌شود و نوعی نفرت و کینه در او نسبت به بزه‌دیده و جامعه پدید می‌آورد و این خود علاوه بر اینکه مایه انقطاع و بریدگی مجرم از جامعه می‌شود، می‌تواند در وقوع جرایم بعدی علیه بزه‌دیده مؤثر باشد، در حالی که عفو به دلیل آن که نوعی امتنان و رحمت نسبت به مجرم است از سویی مایه عزت و سربلندی بزه‌دیده نزد مجرم است.

۲-۳- توبه

توبه یکی از راه کارهای کنترلی است که در آیات و روایات به آن اشاره بسیار شده است. توبه در لغت به معنای بازگشت می‌باشد و در اصطلاح به معنای بازگشت از معصیت است.

جهت‌گیری شارع مقدس در قرآن، همچنین اولیای دین در احادیث و روایات و نیز سیره عملی آن‌ها، بر اصلاح بزه‌کار از طریق غیر قضایی است، قرآن مجید در حالی که گناهکاران را مورد خطاب قرار می‌دهد بدون دعوت و دلالت آن‌ها به افشای سر و باطن خود برای دیگران، ایشان را به توبه و انابه به درگاه الهی و پشیمانی و ندامت از عملکرد خود دعوت کرده و با آن‌ها وعده آمرزش و مغفرت از سوی ذات باری تعالی می‌دهد. در آیه ۸ سوره تحریم می‌خوانیم: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به درگاه خدا توبه کنید؛ توبه‌ای از روی اخلاص، باشد که پروردگارتان گناهانتان را محو کند و شما را به بهشت‌هایی داخل کند که در آن نهرها جاری است»^۲

۱- قرآن کریم، سوره مبارکه نور، آیه ۱۹

۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»

۴-۲- میانجی‌گری و اصلاح ذات‌البین

از جمله راهکارهای اصلاحی و غیرکیفری اسلام، میانجی‌گری و اصلاح ذات‌البین است که در مورد اختلافات بین آحاد مردم وجود دارد و در آیات و روایات متعددی به آن پرداخته شده است. قرآن کریم در آیه اول سوره انفال همراه دستور به تقوای الهی به صراحت دستور به اصلاح ذات‌البین می‌دهد «از خدا بترسید و اختلاف بین خودتان را اصلاح و آشتی دهید...»^۱

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است «اصلاح دهنده دروغ‌گو نیست، همانا سخن غیرواقع برای صلح میان دو نفر دروغ نیست»^۲

تمامی این موارد، نشان‌دهنده میزان اهمیتی است که در اسلام به رفع خصومت و حل اختلاف مردم خارج از دایره قانون و قضا داده شده است.

۴-۵- سخت‌گیری در اثبات جرم

سخت کردن اثبات جرم نیز فرصتی بیشتر به مجرم در راستای توبه و دور ساختن فرد از برچسب خوردن است به لحاظ اصل براءت در حقوق جزایی، به‌طور کلی در مقایسه با دعاوی مدنی، در دعاوی کیفری شمار ادله اثبات محدودتر است.

ادله اثباتی کیفری در آیین دادرسی کیفری اسلامی نیز در بعضی موارد چنان مشروط و مقید شده‌اند که اثبات جرم با آن ادله بعید و نادر است.

با وجود آنچه در حقوق اسلامی در خصوص چگونگی رفتار مردم با یکدیگر و پرهیز از برچسب‌زنی گفته شد اما در برخی از جرایم خطرناک که با آبرو، ناموس یا اموال و نفوس مردم مواجه است و آن‌ها را به مخاطره جدی می‌اندازد؛ برخی از مجازات و یا شیوه اجرای آن‌ها به‌نوعی موجب برچسب بر فرد می‌گردد تا زمینه‌های پیشگیری از آن جرم را فراهم ساخته و جامعه اسلامی در امنیت اخلاقی، ناموسی، مالی و جانی قرار گیرد به‌طور نمونه اجرای حد زنا در حضور گروهی از مردم^۳ یا قطع ید سارق که به‌رحال موجب نقص عضو همیشگی وی شده و در آینده باید پاسخ‌گوی چرایی آن نزد دیگران باشد^۴ و تشهیر^۵ مجرم در برخی از جرایم مواردی است که موجب برچسب خوردگی افراد می‌گردد.

گفتار دوم- برچسب‌زنی در حقوق موضوعه ایران

با آنچه در خصوص برچسب‌زنی گفته شد و روندی که در مکاتب حقوقی و سیاست‌های جزایی در

۱- ... فَأَتَقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ...

۲- إِنَّ الْمُصْلِحَ لَيْسَ بِكَذَّابٍ إِنَّمَا هُوَ الصُّلْحُ وَ لَيْسَ بِكَذِّبٍ

۳- وَ لَيَشْهَدُ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ، سوره مبارکه نور آیه ۲

۴- وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا ...، سوره مبارکه مائده آیه ۸۳

۵- مجازات تشهیر از جمله مجازات‌های پذیرفته شده در نظام کیفری اسلام است که به معنای معرفی مجرم به افراد جامعه و اعلان جرم او به همگان است. در روش‌های امروزی تشهیر انتشار اسامی مجرمین در روزنامه‌ها و بخش تصاویر آن‌ها در رسانه‌های گروهی می‌باشد در جرایمی مانند کلاهبرداری، قذف، قیادت و شهادت کذب استفاده از تشهیر در فقه مطرح شده است.

کلیه کشورها و دیدگاه‌های حقوقی ایجاد شده است و با عنوان تغییر مسیر یا عدالت ترمیمی در حال گسترش است. مجموعه قوانین جزایی ایران اعم از قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری نیز از این تغییرات و نوآوری‌ها عقب نمانده و با هدف ایجاد جامعه سالم و جلوگیری از مجرم‌سازی افراد با تکرار جرم که متأسفانه اکنون بالغ بر ۵۰ درصد مجرمین را شامل می‌شود مواردی را اشاره نموده است که به طور اختصار به آن می‌پردازیم.

۱- قانون مجازات اسلامی

در این قانون با اصلاح برخی مواد و افزایش موارد حمایتی به منظور برچسب نخوردن افراد و یا کمتر قرار گرفتن در سیستم جزایی مواردی مورد اشاره قرار گرفته است. استفاده از مجازات جایگزین حبس طبق مواد (۶۷-۶۶-۶۵-۶۴) معافیت از کیفر (ماده ۳۹)، نظام نیمه‌آزادی (ماده ۵۶)، رفع آثار تبعی مجازات در جرایم قابل گذشت (تبصره ۲ ماده ۲۵)، تسلیم اطفال ۱۵ تا ۹ سال به والدین در جرایم تعزیری (ماده ۸۸) و عدم صدور حکم حبس در هر صورت در جرایم تعزیری نسبت به اطفال ۱۸-۱۵ سال (ماده ۸۹)، سخت‌گیری در اثبات جرایم حدود و قصاص اطفال تا ۱۸ سال (ماده ۹۱)، تعویق و یا تعلیق اجرای مجازات اطفال و نوجوانان در جرایم تعزیری (ماده ۹۴)، حذف آثار کیفری جرایم اطفال (ماده ۹۵)، وضع قواعد مرور زمان طرح شکایت یا تعقیب و اجرای آن در جرایم تعزیری (مواد ۱۰۶ و ۱۰۷).^۱ برخی از این تغییرات ناشی از اصلاح نگرش‌های اخیر می‌باشد.

۲- قانون آیین دادرسی کیفری

این قانون نیز در رویکردهای اخیر کیفری و تغییرات جهان‌خالی از نوآوری نبوده و با الهام از آثار منفی برچسب‌زنی به متهمین، مواردی را برای پیشگیری از ورود افراد به دستگاه قضایی و حل و فصل آن قبل از طرح موضوع در سیستم قضایی یا حمایت از متهم در راستای عدم ورود و ثبت سابقه جزایی پیش‌بینی نموده که مواردی از آن را اشاره می‌نماییم؛

به کارگیری عناوین میانجی‌گری، صلح و سازش، رعایت حقوق متهم، (ماده ۱ قانون آ.د.ک) بایگانی کردن پرونده برخی جرایم تعزیری (ماده ۸۰ ق.آ.د.ک) تعلیق تعقیب در جرایم تعزیری (مواد ۸۱-۸۲ ق.آ.د.ک)^۲

این‌ها نوآوری‌های مهمی هستند که قانون‌گذار جزایی ایران از سال ۱۳۹۲ به بعد و بعضاً در برخی قوانین دیگر با توصیه به قضا زدایی و صلح و سازش و کاهش عناوین مجرمانه یا تبدیل آن به مجازات اداری^۳ دستگاه عدالت کیفری را به انجام آن تکلیف نموده تا مصون‌سازی افراد از انگ زنی و برچسب

۱- همگی موارد از قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی
 ۲- همگی موارد از قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی

۳- قانون برنامه ششم، ماده ۳۸

خوری افراطی و نهایتاً سالم‌سازی جامعه از خیل مجرمین حرفه‌ای و تکراری و حرکت به سوی بهتر شدن جریان امور محقق گردد.

مبحث دوم- برچسب‌زنی، مکاتب جرم‌شناسی، آثار و نتایج

گفتار اول: اثرات برچسب‌زنی بر سایر مکاتب جرم‌شناسی

رویکرد برچسب‌زنی نفوذی عمده بر دیدگاه‌های جرم‌شناسی مارکسیستی، فمینیستی، انتقادی و جمهوری‌خواه داشته است. جامعه‌شناسانی که آثار برچسب‌زنی را مطالعه و تأثیر منفی آن را در بزهداری مجدد افراد دیده‌اند در مقابل برای کاهش این آثار به سمت مجازات شدن افراد یا جایگزینی مجازات روی آورده‌اند. آقای «بریث ویت» در نظریه جمهوری‌خواه در جست‌وجوی سازوکاری است که به جای فرایند کیفری مرسوم و پاسخ‌های مبتنی بر سزاگرایی و بازدارندگی که اصولاً دارای اثر شرمساری بدنام و تحقیرکننده است، دارای آثار بازپذیرکننده باشد. وی معتقد است نرخ تکرار جرم در میان بزه‌کارانی که پاسخ تحقیرکننده و بدنام می‌گیرند بیش از کسانی است که پاسخ شرمساری بازپذیرکننده را تجربه می‌کنند (دکتر حسین غلامی، ۱۳۹۵: ۲۲۸).

دیدگاه برچسب‌زنی همچنین تأثیر شایانی در سطح سیاست‌پردازی داشته است. این تأثیر به‌ویژه در سطح برنامه‌های مربوط به قشرهای جوان، نوجوان و کودک مصداق یافته، نمونه این موارد برنامه‌های «تغییر مسیر» است که امروزه از شماری از ایالات و سرزمین‌های تحت قیمومیت استرالیا به اجرا در آمده است. برای نمونه می‌توان از برنامه‌های پیش از دادگاه نام برد، این برنامه نوجوانان ۱۰ تا ۱۴ ساله با جرایم کمتر خطرناک را شامل می‌شود، پلیس با هشدارهای غیررسمی از سوی افسران با مضمون‌هایی مانند «دیگر این کار را نکن» از وارد کردن به مراحل قانونی جریان دادرسی جزایی بازمی‌دارد. این برنامه در سه دهه اخیر رواج فراوانی یافته است، همچنین با ایجاد نهادهای جایگزین دادگاه، مانند «هیئت‌های امداد اجتماعی» و «هیئت‌های قضایی جوانان» تأکید دارد مسیر برخورد جوانان را از ابعاد رسمی‌تر نظام جزایی دور سازد و به این شکل احتمال وارد آمدن برچسب‌های منفی را بر این قشر کاهش دهد (راب‌رایت و فیونا هینز، ۱۳۹۲: ۲۰۲) و یا با حذف سوابقی که در نوجوانی انجام داده‌اند آن‌ها را از بدنام شدن برهاند؛ یا اجرای دادگاه‌های علنی را نسبت به آنان محدود سازد یا از ثبت سابقه و انگشت‌نگاری آنان خودداری نماید تا این قشر عملاً از دسترسی به نظام جزایی دور نگاه داشته شوند.

گفتار دوم- انتقادات، آثار و نتایج

۱- یکی از مهم‌ترین انتقادات محققین این است که برچسب‌زنی توضیحی ارائه نمی‌دهد که کج‌روی یا انحراف اولیه چرا برای اولین بار صورت می‌پذیرد زیرا اکثر صحبت آنان به کج‌روی‌های متهم پس از ارتکاب اولین جرم و نقش برچسب منفی بر وی است؛ اما در خصوص اولین نوبت ارتکاب جرم دلیل قانع‌کننده‌ای نمی‌آورند.

۲- برخی از محققین نیز این دیدگاه برچسب‌زنی را که جرم منحصرأ حاصل واکنش اجتماعی است موردنقد قرار می‌دهند. در جرایمی مانند تجاوز و قتل عمد به لحاظ برخی کیفیت ذاتی آن‌ها تمامی فرهنگ‌ها و بخشی از قوانین جزایی خود را به آن اختصاص داده‌اند و اگر به این اعتقاد باشیم که جرم صرفاً واکنش اجتماعی است بخشی از واقعیات را تحریف نموده‌ایم زیرا در این جرایم نه فقط مبانی ذهنی دارند و نه صرفاً دولت‌ها آن را وضع نموده‌اند.

۳- دیدگاه برچسب‌زنی در مواردی این موضوع را تبیین نمی‌کند که چه چیزی توان لازم را برای دفع برچسب‌های خاص به افراد می‌دهد زیرا درحالی که برخی افراد در برابر برچسب‌ها به زانو در می‌آیند و هویت مجرمانه می‌پذیرند؛ افرادی دیگری قادر هستند فرآیند برچسب‌زنی را از خود دفع کنند.

۴- با توجه به واکنش متفاوت افراد در برابر برچسب‌زنی این نکته مهم است که چه بسا عدم واکنش در مقابل فردی که مرتکب سرقت شده است، موجب شود تا او از کار خود دست نکشد و بارها مرتکب جرم گردد اما با یک‌بار دستگیری ممکن است از این رفتار خود منصرف گردد (دکتر حسین غلامی، پیشین).

۵- نظریه پردازان برچسب‌زنی مرتکبان را به‌عنوان بازیگرانی که به‌سادگی برچسب‌هایی را دیگران بر آنان بار می‌کنند و رفتاری پیوسته با طبقه‌بندی منفی دیگران را برمی‌گزینند می‌پذیرند.

۶- با توجه به اینکه این دیدگاه برچسب‌زنی را محصول عوامل دستگاه عدالت کیفری اعم از پلیس و دادسرا می‌داند و از طرفی حاکمیت را در وضع قوانین برای محدودسازی افراد و تقویت خود با انجام برچسب‌زنی مقصر می‌شناسد لذا این نظریه فقط در نظام‌هایی کاربرد دارد که پلیس از اختیارات قضایی یا شبه قضایی برخوردار باشد و یا در آن نظام‌ها عناوین مجرمانه موسع وجود داشته و قاضی اختیارات وسیعی در تفسیر قوانین داشته باشد (علی حسین نجفی ابرندآبادی: ۳۵۳).

۷- نظریه برچسب‌زنی درخصوص اینکه چرا برخی از افراد تمایل به نقض هنجارها دارند اما برخی دیگر چنین نیستند پاسخی ارائه نمی‌دهد و مباحث مانند خصایص شخصی و یا اوضاع و احوالی که فرد را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد نادیده می‌گیرد. این نظریه اظهار می‌دارد فرد صرفاً به خاطر برچسب دیگران وارد حرفه مجرمانه می‌شود غافل از اینکه تربیت، تحصیلات، وابستگی‌های اجتماعی و مانند آن همگی در این روند مؤثر هستند.

۸- این نظریه توضیح نمی‌دهد که در ارتکاب جرم ثانویه آیا افزایش رفتار بزهکارانه در پی محکومیت تنها در اثر برچسب‌زنی است یا حاصل کنش متقابل با دیگر بزهکاران در زندان یا در محیط اجتماعی یا ناشی از تسری خرده‌فرهنگ بزهکاری است (غلامرضا محمدنسل: ۲).

- آثار و نتایج نظریه برچسب بزنی در بهبود جریان امور

۱- این نظریه با همه نقاط قوت و ضعفی که دارد تحولات مهمی را در ماهیت و ساختار حقوق جزا و جرم‌شناسی ایجاد نموده است؛ که بارزترین آن قضازدایی، کیفرزدایی و جرم‌زدایی می‌باشد. قضا زدایی یعنی محدود کردن صلاحیت دستگاه قضایی در رسیدگی به جرایم و متوسل شدن به طریق غیرقضایی و غیرپلیسی در رسیدگی به برخی جرایم کیفرزدایی به معنی جایگزین کردن مجازات حبس و به عبارتی دیگر اجتماعی کردن مجازات و بعضاً تخفیف مجازات کیفری و جرم‌زدایی یعنی زدودن وصف مجرمانه از برخی اعمال جزایی و تبدیل آن به تخلفات اداری، انضباطی و صنفی که مشمول نظام غیرکیفری و ضمانت اجراهای غیرکیفری می‌شوند.

۲- یکی دیگر از مهم‌ترین آثار این نظریه که تحول عمیقی ایجاد نموده است، حقوق جزایی اطفال است. حقوق جزایی صغار یا اطفال بزهکار در اغلب نظام‌های حقوقی دنیا از شمول رفتار پلیس عمومی، رفتار قضات و آیین دادرسی کیفری خارج هستند. چراکه مداخله پلیس یا دستگاه کیفری در خصوص اطفال بزهکار یا ناسازگار جرم‌زا است و ویژگی‌های مجرمانه آن‌ها را تقویت می‌کند و بنابراین بهتر است که اطفال از اقدامات تربیتی و از روش‌های سنتی حل و فصل اختلافات برخوردار باشند (علی حسین نجفی ابرندآبادی: ۳۵۴).

۳- مجموعه یاد شده به اقتضای شرایط زمانی و مکانی می‌تواند در ایجاد یا تسهیل جریان امور، نقش به‌سزایی ایفا نماید. بدین لحاظ چنان‌که در عنوان این نوشته و در متن آن متذکر شدیم، بحث حسن جریان امور، مبحثی اجتماعی و فراتر از مرزهای بازرسی است و با در معرض قرار دادن جامعه عمومی، می‌تواند به تسهیل فعالیت‌های بازرسی و اثربخشی آن در هر جا که اقتضا کند، بیانجامد.

پیوست‌ها

مواد استنادی قانون مجازات اسلامی

تبصره ۲ ماده ۲۵- درمورد جرایم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی باگذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود.

ماده ۳۹- در جرایم تعزیری درجه‌های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرروزیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.

ماده ۵۶- نظام نیمه‌آزادی، شیوه‌ای است که براساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس،

فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر این‌ها را در خارج از زندان انجام دهد.

ماده ۶۴- مجازات جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف باملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود.

تبصره- دادگاه در ضمن حکم، به سنخیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح می‌کند. دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع از مجازات جایگزین حکم دهد.

ماده ۶۵- مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها سه ماه حبس است به‌جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.

ماده ۶۶- مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به‌جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.

ماده ۶۷- دادگاه می‌تواند مرتکبان جرایم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند.

ماده ۸۸- درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان.

ماده ۸۹- «درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات اجرا می‌شود، در هر صورت فاقد حبس است.»

ماده ۹۱- «در جرایم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند.»

ماده ۹۴- «دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرایم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.»

ماده ۹۵- «محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.»

ماده ۱۰۶- «در جرایم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود.»

ماده ۱۰۷- «مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند.»

مواد استنادی قانون آیین دادرسی کیفری

ماده ۱- «آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.»

ماده ۸۰- «در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد،

در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با أخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک‌بار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند.»

ماده ۸۱- «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از أخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با أخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند.»

ماده ۸۲- «همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد.»

ماده ۳۸ قانون برنامه ششم توسعه کشور

ماده ۳۸- الف- «قوه قضائیه مکلف است نسبت به تنقیح، اصلاح و رفع خلأهای قوانین قضایی با رویکرد پیشگیری از وقوع جرم و اختلاف، کاهش عناوین مجرمانه و محکومیت حبس و تبدیل آن به مجازات دیگر و متناسب‌سازی مجازات و جرایم جایگزین کردن ضمانت اجرای غیر کیفری مؤثر و روزآمد از قبلی انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی اقدام و لوایح موردنیاز را تهیه و از طریق دولت با رعایت قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۸۹/۳/۲۵ به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند»

ب- «قوه قضائیه مکلف است در زمینه‌ی پیشگیری از وقوع جرم و کاهش دعای حقوقی نسبت به انجام تکالیف قانونی با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط اقدام کند.»

ج- سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف است با همکاری دستگاه‌های اجرایی، مؤسسات عمومی و مردم‌نهاد، به منظور بازاجتماعی شدن محکومان اقدامات زیر انجام دهد:

- ۱- تسهیل بازگشت محکومان پس از تحمل کیفر به زندگی شرافتمندانه و رفع موانع اشتغال آنان با سازمان‌دهی و محدود کردن و موارد استعلام از سوء پیشینه به موارد خاص و رفع اثر محکومیت در چارچوب قوانین مربوط.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- پایگاه خبری ویکی‌پدیا، www.wikipedia، مقاله نظریه برچسب‌زنی
- ۳- حسینی، سیدمحمد، متولی‌زاده نائینی، نفیسه (۱۳۹۱). بررسی نظریه برچسب‌زنی با نگاه به منابع اسلامی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴
- ۴- راب‌رایت و فیونا‌هینز، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ۵- مقاله برچسب‌زنی در منابع اسلامی
- ۶- غلامی، حسین (۱۳۹۵). کیفرشناسی، چاپ اول، نشر میزان
- ۷- فرانک‌پی، مارلین‌دی، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، (۱۳۹۱). انتشارات میزان
- ۸- محمدنسل، غلامرضا. نقش برچسب‌زنی در بزهدکاری، پایگاه اینترنتی شفقنا
- ۹- نجفی‌ابرنادآبادی، علی حسین، (۱۳۹۱). مباحثی در علوم جنایی، ویراست هفتم، تهیه‌کننده شهرام ابراهیمی